

آیات قرآن و سجایای اخلاقی امام رضا (ع)

اصغر طهماسبی بلداجی *

سیده کوثر موسوی **

چکیده

تزکیه و تعلیم یکی از اهداف مهم فرستادگان الهی جهت هدایت انسان ها بوده است. تزکیه انسان ها از رذایل اخلاقی و آراستن به فضایل اخلاقی همواره مورد توجه مریبان بشر می باشد؛ پشوایان دین در هر عصری به مبحث اخلاق اهتمام کامل داشته اند تا آنجا که پیامبر اکرم (ص) هدف رسالت خود را متمیم مکارم اخلاقی بیان می دارد. قرآن به مباحث اخلاقی بسیار توجه داشته تا آنجا که اهداف تمامی پیامبران و خصوصاً حضرت محمد (ص) را تزکیه انسان ها و آراسته کردن آن ها به فضایل اخلاقی و پیراستن از رذایل اخلاقی معرفی می کند. با توجه به اهمیت موضوع اخلاق، جستار پیش رو با رویکردی توصیفی - تحلیلی به بررسی تطبیقی اخلاق از منظر قرآن و امام رضا (ع) می پردازد و در این باره به شاخصه های فردی و اجتماعی اخلاق در سیره علمی و عملی امام رضا (ع) اشاره می کند.

کلید واژه ها: قرآن، امام رضا (ع)، اخلاق، فضایل اخلاقی، رذایل اخلاقی.

* مدرس دانشگاه پیام نور بروجن - گروه علوم قرآن و حدیث.
** مدرس دانشگاه پیام نور بروجن - گروه علوم قرآن و حدیث.

مقدمه

قرآن به مباحث اخلاقی بسیار توجه داشته و در آیات متعدد به فلسفه اخلاق و جایگاه آن در زندگی اشاره کرده است. پیامبر اکرم (ص) به عنوان معلم و مفسر واقعی قرآن فلسفه بعثت خویش را تتمیم مکارم اخلاقی می داند آنجا که می فرماید: «إِنِّي بَعَثْتُ لَاتِمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»^۱؛ قرآن کریم نیز ایشان را به عنوان اسوه تمام انسان ها می داند که اخلاق حسنه یکی از مصادیق الگویی ایشان می باشد: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (الأحزاب، ۲۰/۳۳) در جای دیگر خداوند درباره مکارم اخلاقی پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (القلم، ۴/۶۸) از اهداف تمامی پیامبران و خصوصاً حضرت محمد (ص) تزکیه انسان ها و آراسته کردن آن ها به فضایل اخلاقی و پیراستن آن ها از رذایل اخلاقی است: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (البقرة، ۱۵۱/۲)؛ «رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (البقرة، ۱۲۹/۲) «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (الجمعة، ۲/۶۲). اهمیت این تزکیه و مزین شدن به اخلاق الهی چیزی جز بهشت و رسیدن به فلاح و رستگاری نیست: «جَنَاتٌ عِدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى» (طه، ۷۶/۲۰)؛ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (الأعلى، ۱۴/۸۷)؛ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (الشمس، ۹/۹۱).

معصومین (ع) به عنوان جانشینان برحق پیامبر اکرم (ص) با تأسی به ایشان به مبحث اخلاق و تزکیه انسان ها توجه داشته اند. امام رضا (ع) به عنوان عالم آل محمد (ص) نیز به این مهم اهتمام کامل داشته اند. زندگی امام رضا (ع) نمونه ای تام از سبک زندگی اسلامی در تمامی حوزه ها از جمله اخلاق است. ایشان با مردم در نهایت تواضع و مهربانی رفتار می نمود و حتی دشمنان را مجذوب خود ساخته بودند. امام (ع) با برخورداری از مقام امامت و حتی با ورود به عرصه ولایتعهدی در میان مردم می زیستند و عملاً به ایشان درس زندگی می آموختند و به روش جباران امتیازی برای خود قائل نمی شدند و هرگز مردم را تحقیر نمی کردند. امام رضا (ع) با در برداشتن جامع کمالات انسانی و برترین های اخلاقی در همه عرصه ها تحولی عظیم در جامعه تشیع بنا نهادند.

مقاله حاضر با روش کتابخانه‌ای تا حد ممکن گوشه‌ای از اخلاق حسنه ایشان را با استناد به آیات قرآن مورد بررسی قرار می‌دهد.

امام رضا (ع) و احیای معارف قرآنی و فرهنگ اهل بیت (ع)

از جمله مسئولیت‌های مهم ائمه اطهار (ع) به ویژه امام رضا (ع) ارشاد و هدایت آحاد مردم و سوق دادن آنها به قرآن و سیره پیامبر اعظم (ص) و توجه دادن مردم به علم و دانش و مبارزه با انواع نادانی‌ها و شبهات و سرانجام تربیت شاگردان عالم و اندیشمند است. امام رضا (ع) نیز در احیاء فرهنگ قرآن و اهل بیت (ع) به تربیت شاگردان ممتازی پرداختند از جمله این شاگردان ابو احمد بن ابی عمیر که به «به این ابی عمیر» معروف است، او نزد علمای شیعه به شدت قابل اعتماد است و احادیث او را حتی اهل تسنن نیز معتبر می‌دانند.^۲ صفوان بن یحیی یکی از اصحاب حضرت امام رضا (ع) بود؛ مردی خرما فروش که در نزد علمای حدیث کاملاً مورد وثوق و اعتماد است.^۳ زکریا پسر آدم پسر عبدالله بن سعد اشعری قمی، از بزرگان شیعه که در قم سکونت داشت. علمای رجال وی را فردی موثق و مورد اعتماد در نقل حدیث می‌دانند.^۴ یونس بن عبدالرحمن از اصحاب بزرگوار حضرت رضا (ع) بود. از فضائل او چنین است که حضرت رضا (ع) سه بار برای او بهشت را ضمانت کردند.^۵ امام علاوه بر تربیت شاگردانی والا مقام به تفسیر آیات قرآن می‌پرداختند که در بسیاری از موارد به تفاسیر تأویل گونه و بیان مصداق بسنده می‌نمودند.^۶

نکته مهم دیگر این که امام رضا (ع) بسیاری از اوقات شبانه روز به درس و بحث مشغول بودند فقه علوم محمدی را به شاگردانشان درس می‌دادند زیرا ایشان درس را نمونه‌ای از ذکر و عبادت می‌دانستند و زمانی که از درس دادن فارغ می‌شدند به ذکر گفتن خدا می‌پرداختند.^۷ از دیگر ویژگی‌های آن حضرت این بود که هر دعایی را شروع می‌کردند صلوات بر آل محمد و آل او می‌فرستادند در نماز یا غیر نماز بسیار صلوات می‌فرستادند، شب‌ها موقعی که می‌خواستند بخوابند قرآن تلاوت می‌کردند، موقعی که به آیه‌ای می‌رسیدند که در آن از بهشت و دوزخ سخن می‌گفتند گریه می‌کردند و می‌فرمودند: «پناه می‌برم به خدا از آتش دوزخ». آن حضرت هر سه روز یک بار تمام قرآن را تلاوت می‌کردند و می‌فرمودند «اگر خواسته باشم قرآن را در کمتر از سه روز تمام کنم می‌توانم

ولی هیچ آیه را نخواندم مگر این که در معنای آن آیه فکر کنم و درباره این که آن آیه در چه موضوع و در چه وقت نازل شده از این رو هر سه روز قرآن را ختم می کنم»^۸. امام رضا (ع) در ضمن تفسیر آیات، فضایل اهل بیت (ع) را برمی شمردند؛ در تفسیر آیه: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (الاحزاب، ۵۶/۳۳) می فرماید: مسلمانان گفتند: «یا رسول الله ما معنای تسلیم را فهمیدیم که باید تسلیم فرمان شما باشیم اما چگونه صلوات بگوئیم. فرمود: «بگوید اللهم صل على محمد و آل محمد كما صليت على إبراهيم و آل إبراهيم إنك حميد مجيد»^۹. حضرت رضا (ع) در همان مجلس در شمار آیاتی که برای فضیلت اهل بیت (ع) نقل می کرد؛ در مورد آیه: «وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (الأنبياء، ۷/۲۱) فرمودند: «ما اهل ذکر هستیم و هر آنچه نمی دانید از ما پرسید»^{۱۰}.

سجایای اخلاقی امام رضا (ع) و انطباق آن با آیات قرآن

در آیات و روایات به بحث اخلاق بسیار توجه شده و در این زمینه به مصادیق متعدد اخلاق اشاره شده است. فرهنگ سازی اخلاقی در خانواده و زندگی فردی و اجتماعی بسیار اهمیت دارد و می تواند از بروز بسیاری از معضلات و مشکلات اخلاقی در زندگی جلوگیری نماید. در فرهنگ سازی اخلاقی دو محور تبیین و اجرا بسیار مورد توجه است. این موارد باید به شکلی شایسته برای اقشار جامعه تبیین و راهکار اجرایی آن که همان عمل به آموزه های دینی است، بیان شود. در سیره علمی و عملی امام رضا (ع) به بحث اخلاق بسیار توجه شده است به گونه ای که اخلاق قرآنی در حیطه اهتمام به فضایل و اجتناب از رذایل در سیره ایشان نمود تام پیدا کرده است. در ادامه به مؤلفه های اخلاقی در این باره اشاره می شود.

۱. اخلاق خانواده: خانواده به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی و زیربنای جوامع و منشأ فرهنگ ها و تمدن ها در تاریخ بشر بوده است. بدون شک خانواده در پیشرفت جوامع نقش والایی داشته است به همین خاطر قرآن به این نهاد اجتماعی توجه داشته و اهمیت والای آن را بیان کرده است. احسان به پدر و مادر و تواضع در برابر آنها و اطاعت از آنها یکی از مهم ترین دستورات قرآن در این زمینه است؛ «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ»

وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا *وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (الاسراء، ۱۷/۲۳ و ۲۴) از منظر امام رضا (ع) جایگاه احترام به پدر و مادر تا آنجا می باشد که سپاسگذاری از پدر و مادر در کنار سپاسگذاری خداوند قرار گرفته است و کسی که از پدر و مادرش سپاسگذاری نکند، خدا را شکر نکرده است^{۱۱}. در بینش امام رضا (ع) نیکی به پدر و مادر واجب و لازم است اگرچه مشرک و کافر باشند، ولی در معصیت خدا نباید اطاعتشان کرد^{۱۲}. در فرهنگ دینی احترام به اعضای خانواده خصوصاً پدر و مادر، یکی از برترین اعمال معرفی شده است^{۱۳}. تا جایی که نیکی به خانواده باعث افزایش رزق و روزی انسان می شود^{۱۴}. به خاطر اهمیت و جایگاه خانواده و خصوصاً ارزش و احترام پدر و مادر است که قرآن کریم احسان به والدین را پس از توحید و نفی شرک از خداوند بیان می کند: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (النساء، ۴/۳۶).

۲. اجتناب از رذایل اخلاقی: رذایل اخلاقی، صفات ناپسندی می باشند که در سبک زندگی اسلامی به دوری از آن ها امر شده است؛ رذایل اخلاقی نه تنها روح و روان انسان را آلوده می کند بلکه تاثیرات سوئی بر روی خانواده و جامعه به جا می گذارد برخی از مهم ترین این رذایل:

الف. پرهیز از خشم و غضب؛ خشم و غضب منشا بسیاری از آسیب های اجتماعی می باشد. حالت خشم و غضب، از خطرناکترین حالات است که اگر کنترل نشود، به صورت یک نوع جنون و دیوانگی و از دست دادن کنترل اعصاب خود نمایی می کند. بسیاری از جنایات و تصمیم های خطرناکی که انسان یک عمر باید کفاره و جریمه آن را بپردازد در چنین حالی انجام می شود به خاطر آثار بد و جبران ناپذیر خشم و غضب هست که در فرهنگ رضوی کلید هر بدی معرفی شده است^{۱۵}. قرآن کریم در مورد سبک زندگی افراد با تقوا می فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران، ۳/۱۳۴) در کلام امام رضا (ع) خشم و غضب مؤمن مثبت ارزیابی شده است به این معنا که اگر انسان مؤمن خشمگین شود، این خشم در دفاع از حق می باشد و اگر هم خرسند گردد، در خشنودیش پذیرش باطل نیست. در فرهنگ رضوی بر حق محوری مؤمن در همه حالات تاکید شده است^{۱۶}.

در کلام امام رضا (ع) یکی از ویژگی های بهترین بندگان فرو بردن خشم بیان شده است.^{۱۷}

ب: اجتناب از بدگمانی، تجسس، غیبت؛ این موارد نیز از رذایل اخلاقی می باشند که هرکدام به تنهایی می تواند عواقب بدی در زندگی فردی و اجتماعی داشته باشند. قرآن کریم به این مورد نیز توجه داشته و در این باره می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (الحجرات، ۱۲/۴۹) از رذایل اخلاقی که در این آیه مبارک به آن اشاره شده، غیبت است. غیبت در حقیقت ابطال هویت و شخصیت اجتماعی افرادی است که خودشان از جریان اطلاعی ندارند.^{۱۸}

در بینش امام رضا (ع) بر مذمت غیبت و آثار سوء آن تاکید شده است تا آنجا که غیبت کننده در زمره ملعونین محسوب می شود.^{۱۹}

ج: پرهیز از حسد؛ یکی از مهم ترین عواملی که سبب می شود انسان شخصیت دیگران را تحقیر کند و آبرویشان را بریزد حسد است. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به این مورد توجه داشته و برای درمان این رذیله اخلاقی چاره اندیشی کرده است. آنجا که بعضی از اهل کتاب آرزو داشتند مؤمنان کافر باشند. خداوند در این باره می فرماید: علت این آرزو و درخواست آنها حسد ورزی به مومنان است: «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَمُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (البقرة، ۱۰۹/۲) در فرهنگ رضوی بر مذمت حسادت و آثار سوء آن تاکید شده است. امام رضا (ع) در این باره می فرماید: «هیچ حسودی از حسدش لذت نمی برد»^{۲۰}. در روایات پیشوایان دین، علاوه بر مذمت دینی حسد، آثار سوء جسمی و روحی برای آن بیان فرموده اند^{۲۱}. امام رضا (ع) حرص و حسد را عامل نابودی امت های پیشین می داند.^{۲۲}

بدون شک زندگی اسلامی مبرا از این رذیله اخلاقی است.

۳. اهتمام به فضایل اخلاقی: در فرهنگ رضوی، تشویق به انجام فضایل اخلاقی شده است، که با انجام این موارد زندگی فردی و اجتماعی سرشار از محبت و جذابیت می شود. از جمله این فضایل عبارتند از:

الف: حسن خلق و مردم داری امام رضا (ع)؛ حسن خلق یکی از صفات خوب و پسندیده است که دیگران را در دام محبت اسیر می کند. اهمیت خوش اخلاقی در فرهنگ دینی تا آنجا می باشد که قرآن کریم یکی از دلایل مهم موفقیت پیامبر اکرم (ص) را خوش خلقی ایشان بیان می دارد: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، ۱۵۹/۳) نگاه مردم گرایانه و زیستن در کنار آنها و برقراری تعاملات اجتماعی به نیکوترین صورت در سیره اهل بیت (ع) نمایان بود که با الگو قرار دادن آنان می توانیم روش صحیح برخورد اسلامی با افراد گوناگون را بیاموزیم. امام رضا (ع) به عنوان اسوه کانون مهر و عاطفه بیشترین محبت و مهربانی را نسبت به مردم و اهل خانه و خدمت گزاران نشان می دادند. در روزی که ایشان مسموم شدند و در آن روز به شهادت رسیدند بعد از این که نماز ظهر را خواندند به فردی که نزدیکشان بود فرمودند: «مردم [منظور اهل خانواده، کارکنان و خدمت گزارانشان بودند] غذا خورده اند؟». آن فرد جواب داد: آقای من آیا در چنین وضعیتی کسی میتواند غذا بخورد؟ در این لحظه که امام متوجه می شوند کسی غذا نخورده است می نشینند و دستور آوردن سفره ای را می دهند همه را سرسفره دعوت می کنند و آنها را یکی یکی مورد محبت قرار می دهند.

ایشان در جایی که مربوط به شخص خودشان بود بزرگترین گذشت ها و عالی ترین ایثارها و بیشترین محبت را نسبت به دیگران داشتند.

رفتار عملی امام رضا (ع) نشانه انسانی کامل و نمونه است که هیچ علاقه ای به دنیا و ظواهر آن ندارد. اگر فردی حتی کوچکترین خدمتی برای امام رضا (ع) انجام می داد ایشان نهایت تشکر و قدردانی را به جا می آوردند و حتما خدمت آن فرد را جبران می نمودند. بنا به فرمایش شخص ایشان: «من لم يشكر المنعم من المخلوقين لم يشكر الله عزوجل؛ هر کس در مقابل خوبی مردم تشکر نکند از خدای عزوجل تشکر نکرده است». ۲۳

آن حضرت به مستضعفان و گرفتاران توجه خاصی می نمودند اگر آنها گرفتاری و ناراحتی داشتند سعی می کردند مشکل آنان را حل کنند. چه بسیار افرادی که در سایه یاری رسانی های امام به خیری دست یافتند. امام علاوه بر رأفت و کمک به مردم نیازمند، در معاشرت با افراد مختلف جامعه به گونه ای عمل می کردند که سازنده و تربیت کننده باشد

و با عمل خود اسلام را در رفتار خویش نشان می داد. نمونه ای از این رفتارها این بود که در چشم امام رضا (ع) همه افراد از نظر انسانی مقام و ارزش داشتند و به آنان احترام می گذاشت و برابری انسان ها را در حقوق ملاحظه می کرد، از تحقیر انسان ها و پست شمردن آنان و استهزاء سخت جلوگیری می کرد و شکل و شمایل و رنگ و ثروت ملاک نبود. بلکه هر انسانی در نظر ایشان محترم بود. حتی غلامان و سیاهان هم مورد عنایت و توجه او بودند و با آنان هم به عنوان یک انسان برخورد می کرد. ۲۴

ملاک رفتاری امام رضا (ع) به عنوان تربیت یافته مکتب وحی استناد از آیه مبارکه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (الحجرات، ۱۳/۴۹) امام در برخورد با افراد خصوصاً زیر دستان به حقوق انسانی آنها بسیار توجه می نمود. یاسر یکی از غلامان امام می گوید: امام به ما می فرمود: «اگر من بالای سر شما ایستادم و شما در حال غذا خوردن بودید بلند نشوید تا این که از غذا خوردن فارغ شوید». گاهی حضرت یکی از ما را برای انجام کاری صدا می کرد. وقتی گفته می شد: مشغول غذا خوردن است، می فرمود: «بگذارید تا غذایش را بخورد». ۲۵

ابراهیم بن عباس صولی درباره اخلاق نیکوی امام رضا (ع) می گوید: من أبو الحسن رضا (ع) را هرگز ندیدم در سخن گفتن با کسی درشتی کند هرگز ندیدم سخن کسی را پیش از فراغ قطع کند؛ هرگز او را ندیدم که به غلامان و بردگان خود بد گوید ۲۶. امام رضا (ع) درباره اخلاق نیکو می فرماید: «هر که با چهره و روی خندان با برادر مؤمن خود روبه رو شود خداوند یک حسنه برایش می نویسد و هر که خداوند یک حسنه برای او بنویسد هیچ گاه عذابش نمی کند». ۲۷

ب: صداقت و راستگویی؛ بسیاری از ناهنجاری های رفتاری و اختلافات خانوادگی و مشاجرات میان دشمن ها و فامیل ها و حتی تنش ها و نزاع های سیاسی، پدیده ای است که از بی صداقتی و ناخالصی به وجود می آید. صداقت استوارترین بنیانی است که دوستی ها، مشارکت ها، ازدواج ها، مبارزات سیاسی و... بر آن استوار می گردد و بدون آن، همه این بنیان ها در معرض فروپاشی و گسیختگی است. خداوند در وصف ستایش آمیز بندگان شایسته خود می فرماید: «الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (آل عمران، ۱۷/۳) اهمیت صداقت و راستگویی تا آنجاست که یکی از ویژگی های

انسان های پرهیزکار می باشد. دلیل این امر به این خاطر است که سخن گفتن در واقع ابزاری برای کشف یک امر مجهول می باشد. هنگامی انسان ها در سخن گفتن از یکدیگر استفاده می کنند که سخن کاشف از حقیقت و راست باشد؛ ولی اگر سخن به جای کشف حقایق، وسیله ای شد برای کتمان حقایق، حقیقت را وارونه نشان می دهد، در این صورت سخن از مسیر واقعی و فلسفه وجودی خود منحرف شده و نقض غرض می شود.^{۲۸}

امام رضا (ع) در این باره می فرماید: «نقش انگشتی موسی (ع) دو جمله بود که از تورات گرفته بود: صبر پیشه کن تا اجر داده شوی، راستگو باش تا نجات یابی».^{۲۹}

ج: اخلاق فردی، ساده زیستی امام رضا (ع)؛ امام هشتم شیعیان (ع) همانند پدران بزرگوارشان در زندگی به حداقل امکانات توجه داشتند و گریزان از تجمل و رفاه به زندگی فردی می پرداختند. زهد و سادگی در تمامی ابعاد زندگی امام رضا (ع) نمایان بود.

شیخ صدوق در روایتی از ابی عباد ساده زیستی را روش امام رضا (ع) در پوشش می شمارد و زندگی حضرت را این گونه توصیف می کند: در تابستان فرش حضرت رضا (ع) حصیر و بوریا بود و در زمستان روی نمدمی نشست و پیراهنی زبر و خشن می پوشید مگر آنکه بخواهد پیش مردم آید که در آن وقت لباس سنگین و بهتر می پوشید.^{۳۰}

زهد در قرآن، در دو جمله خلاصه شده است؛ «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (الحديد، ۲۳/۵۷) هر کس بر گذشته، اندوه نخورد و برای آینده، شادمان نشود، بر هر دو جانب زهد دست یافته است. «وَمَا أُوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (التقصص، ۶۰/۲۸) امام رضا (ع) با درک واقعی بر این مساله هیچ گونه وابستگی به دنیا و هر آنچه در آن است را نداشتند و با پیاده کردن زهد و ساده گرایی یکی دیگر از دریچه های سعادت را به روی بشر گشودند. گوشه گیری از دنیا و ساده زیستی برجسته ترین صفت امام رضا (ع) بود. تمام راویان متفق القولند که وقتی آن حضرت ولیعهد مامون شدند هیچ توجهی به جنبه قدرت و عظمت آن نداشتند.^{۳۱}

نقل شده زمانی که امام رضا (ع) مجبور به پذیرفتن ولایتعهدی شد چون روز عید فرا رسید مامون برای خواندن نماز از امام (ع) دعوت به عمل آورد. ایشان با ساده ترین پوشش و با لباسی که مخصوص نماز عید بود حاضر شدند، این لباس عبارت بود از دو قطیفه

روی لباس و عمامه سفیدی از کتان که به سر بسته بود که یک طرف آنرا به سینه و طرف دیگرش را میان دو شانه انداخته بودند عصبانی به دست داشتند، در حالی که کفش برپا نداشتند. چون همراهان ایشان این وضعیت را دیدند، آنان هم چون امام راه افتادند. ۳۲

نمونه دیگری از اخلاق امام رضا (ع) این بود که در دوران ولایت عهدی و تصدی بالاترین مقام در دولت اسلامی به هیچ یک از غلامانشان دستور نمی دادند که کار ایشان را انجام دهند. همچنین ایشان جهت همدردی با مردم به حمام عمومی شهر می رفتند و از نزدیک با مردم معاشرت داشتند ۳۳. پرهیزگاری و تقوای امام رضا (ع) طوری بود که نه تنها مردم، بلکه دشمنان نیز به آن اعتراف می کردند، ایشان همه فکر و اندیشه شان حفظ دین خدا و اجرای وظایف الهی بود و نجات خود و مردم را در تقوا، پرهیزگاری و عبادت کردن می دانستند. چیزهایی که در دنیا وجود داشت سبب نشد که ایشان از وظیفه خود دور بیفتد، ایشان به دنیا علاقه نداشتند و نسبت به آن بی رغبت بودند، زهد و عبادتشان بی نظیر بود، همیشه سعی داشتند مردم را به تقوا و عبادت و پرستش خداوند دعوت نمایند ۳۴. چنان که به برادرشان زید فرمودند: «ای زید از خدا بترس، آنچه که ما به آن رسیده ایم به وسیله ی همین تقواست هر کس که تقوا داشته باشد و خدا را مراقب خود نداند از ما نیست و ما از او نیستیم». ۳۵

۴. اخلاق اجتماعی اتحاد و یکپارچگی و پرهیز از تفرقه و نفاق: یکی از اساسی ترین محورهای حفظ یک جامعه در راه کمال و سعادت، اتحاد و یکپارچگی و پرهیز از تفرقه و نفاق است. وحدت و دوری از تفرقه یک وظیفه و نعمت بزرگ الهی است. در سبک زندگی اسلامی اتحاد و یک پارچگی با محوریت خداوند، عامل تعالی و کمال جامعه است. در جامعه ای که اختلاف و تفرقه در آن حاکم باشد پیشرفت و سعادت و آرامش از آن جامعه رخت می بندد. بر همین اساس وحدت و دوری از تفرقه از شاخصه های مهم فرهنگ اسلامی تلقی می شود. محور اتحاد در یک جامعه باید خداوند باشد همچنان که خداوند می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳/۳) امام علی (ع) در اهمیت و جایگاه وحدت در جامعه می فرماید: «اصلاح اختلاف ها، از تمامی نمازها و روزه ها برتر است» ۳۶. در روایات دیگر ایجاد وحدت هنگام پیدایش اختلاف بهترین صدقه ای معرفی شده که خداوند آن را دوست دارد. ۳۷

مناظرات امام رضا (ع) با دیگر مذاهب به گونه ای بود که منجر به تحریک احساسات مذهبی نشود. ایشان همواره جانب اتحاد و یکپارچگی مسلمانان را در نظر داشتند^{۳۸}. مطالعه رفتار امام رضا (ع) در مناظرات در واقع تعریف عملی از امام رضا (ع) در این زمینه خواهد بود. این رفتارها نشان می دهد که مسلماً بهترین ساز و کارهای رسیدن به وحدت اسلامی و مهمترین و محوری ترین بحث وحدت اسلامی این است که رفع اختلافات با ارجاع دادن آنها به منبعی اصیل و تغییر ناپذیر می باشد که یکی از تکیه گاه های امام رضا (ع) در مناظرات اهل بیت (ع) بود^{۳۹}. قرآن در اختلافات و منازعات به صراحت دستور می دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (النساء، ۵۹/۴)؛ «هرگاه در امری اختلافتان شد برای حل آن به خدا و رسول مراجعه کنید». در یکی از مناظراتی که مأمون برای امام رضا (ع) با علما ایجاد کرده بود، بحث بر سر این آیه بود: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْتِنُ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» (فاطر، ۳۵/۳۲)؛ «آن گاه این کتاب را به آن کسانی که از بندگان خود انتخابشان کرده ایم به میراث دادیم». این مردان برگزیده که مد نظر این آیه است چه کسانی هستند؟ علمای برگزیده که در این مناظره با امام رضا (ع) مباحثه می کردند، علمای اهل سنت بودند. در واقع در زمان امام رضا (ع) همه بحث ها و اختلافات و تمایزات فرقه ای به خصوص بین اهل حدیث و شیعه و معتزله بسیار بیشتر شده بود. در این جلسات همه اینها جمع بودند. در این جلسه امام رضا (ع) در عین این که دیدگاه های خود را مطرح می کنند و می گوید که مراد از آن مردان برگزیده که قرآن از آن یاد کرده است چیست اما حتی یک کلام سرزنش و تحقیر به طرف مقابل در صحبت هایشان نیست بلکه تمام بحث ها و صحبت هایشان توأم با احترام متقابل است. زمانی که همه علمای مقابل اعلام می کنند که مراد از عترت امت است امام نظر مخالف خود را اعلام می دارد که مراد «اهل بیت» است و نه امت. اما اعلام نظر امام توأم با احترام است و نه دعوا و پرخاش^{۴۰}. این رفتار امام (ع) حاکی از آیه قرآن می باشد که خداوند خطاب به حضرت موسی (ع) و برادرش هارون (ع) می فرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْتًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه، ۴۴/۲۰)؛ «و با او به نرمی سخن بگویند شاید اندرز بگیرد و یا بترسد». و دستور صریح

قرآن خود دال بر این مطلب است: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (البقرة، ۲/۸۳)؛ «و با زبان خوش با مردم سخن بگویید». از نظر علامه طباطبایی این تعبیر کنایه از حسن معاشرت با مردم چه کافرشان و چه مؤمنشان است^{۴۱}. در دوران مناظرات و مباحث علمی و مذهبی که بین فرقه های عقل گرا و نقل گرا به اوج رسیده بود. امام با رفتار نرم و قول نیکوی برگرفته از قرآن عملاً درس ایجاد وحدت و مدیریت اختلاف را برای همگان مشخص کردند.

هیچ موردی از امام رضا (ع) و یا از دیگر ائمه (ع) سراغ نداریم که این بزرگواران در مقابل مخالفین فکری و مخالفین مذهبی برخورد خشونت آمیزی و یا تحقیرآمیزی داشته باشند. اگر تمام موارد قولی و عملی که از امام رضا (ع) موجود است را کنار بگذاریم و به همین یک جمله از ایشان اکتفا کنیم برای وحدت مسلمانان کفایت می کند حضرت فرموده اند: «التودد إلى الناس نصف العقل؛ خوشرویی و مهربانی با مردم نصف عقل است»^{۴۲}. بسیاری از دعواها و نزاع های مسلمان ها به خاطر نامهربانی آنها با یکدیگر است. این دعوا و مشاجره موجب این می شود که این امت از حالت واحد بودن خارج شود و مسیر رشد و تعالی را با کندی پیماید در حالی که هدف قرآن این است که جامعه مسلمانان در سایه وحدت یک جامعه برتر از دیگران باشد. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۳/۱۳۹)؛ «نه سستی کنید و نه ناراحت شوید [در کار دین] و شما بلند مرتبه ترین ملل دنیا هستید اگر در ایمان خود استوار باشید». در جامعه اسلامی ایمان و چنگ زدن به ریسمان الهی عامل وحدت و گریز از تفرقه بیان شده است. خداوند می فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران، ۳/۱۰۳)؛ «همگی به وسیله حبل خدا خویشان را حفظ کنید». که مقصود از ریسمان الهی توحید و اطاعت از خدا و پذیرش ولایت اهل بیت (ع) می باشد^{۴۳}. در جامعه ای که وحدت در آن نباشد آرامش فردی و اجتماعی رخت می بندد و اختلاف و از هم گسیختگی و عدم امنیت شاخصه اصلی آن جامعه می شود.

۵. اخلاق اقتصادی حمایت از اقشار آسیب پذیر و انفاق بی حاشیه: جامعه دارای لایه ها و طبقاتی است که قشر فقیر و محروم یکی از آن هاست. اسلام برای رفع مشکل این طبقه راهکارهایی دارد که مهم ترین آنها صدقه، انفاق، اطعام، زکات و خمس است^{۴۴}. پرداخت زکات و خمس، زدودن فقر از جامعه و آسیب های اجتماعی و

اقتصادی ناشی از آن را به همراه دارد. توسعه اقتصادی و رفع محرومیت و فقر از ثمرات پرداخت زکات و خمس است. بر همین اساس از اولین وظایف حکومت صالحان رسیدگی به فقرا در سایه پرداخت زکات است: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (الحج، ۴۱/۲۲)، سیره عملی امام رضا (ع) نمودی عینی از انفاق در راه خدا و کمک به نیازمندان است. ایشان در خراسان تمام دارایی های خود را میان مستمندان تقسیم نمودند^{۴۵}. امام رضا (ع) در تمامی شرایط زندگی کمک به نیازمندان و زدودن فقر را سرلوحه زندگی خویش قرار داده بودند^{۴۶}. در توصیه به امام جواد (ع) ایشان را به انفاق و بخشش به نیازمندان توصیه می نمودند^{۴۷}. ایشان با تکیه بر معارف قرآنی همواره از مرغوب ترین اموال و دارایی های خود انفاق می کردند^{۴۸}.

در فرهنگ رضوی علاوه بر این که بر انفاق کردن و کمک به نیازمندان تاکید شده، بایسته ها و چگونگی آن نیز بیان شده است؛ از جمله این که در انفاق همواره باید عزت نفس نیازمند حفظ گردد و ذره ای خدشه بر ندارد^{۴۹}. علاوه بر آن بر انفاق مخفیانه و دور از نگاه دیگران نیز تاکید شده است، سیره عملی امام رضا (ع) گویای این مطلب است. که آثار معنوی والایی برای این روش بیان گردیده است^{۵۰}.

یکی از زیباترین سیره های اخلاقی امام هشتم (ع) بخشش قبل از عرض نیاز، نیازمند می باشد. خداوند متعال در قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (النحل، ۹۰/۱۶)، نقل شده شخصی به یکی از بستگان ابورافع آزاد شده به دست رسول خدا (ص) بدهی داشت و چون برای پرداخت بدهی با فشار و اصرار طلبکار روبه رو بود و آبروی خود را در خطر می دید به امام رضا (ع) متوسل شد و در یکی از روزهای ماه رمضان پس از خواندن نماز صبح در مسجد النبی به منطقه عریض واقع در نزدیکی مدینه که حضرت در آنجا بودند رفت. او هنگامی به عریض رسید که امام (ع) از منزل بیرون آمده بودند و سوار بر مرکب قصد رفتن به جایی را داشتند وی می گوید همین که چشمم به امام افتاد شرم و حیا مانع از عرض حاجت شد، اما امام در مسیر خود به من رسیدند و نگاهی مهربانانه به من انداختند به طوری که از گرمی نگاه امام به وجد آمدم و پس از عرض سلام و ارادت به ایشان عرضه داشتم: فلان فرد از من طلبی دارد و عرصه را بر من تنگ و مرا پیش مردم رسوا کرده است. او نقل می کند در حالی که تصور می کردم با شکایتم آن

حضرت دستور دهد که آن فرد دست از سرم بردارد به من فرمود: «همین جا باش تا برگردم». این شخص نقل می کند که تا شب همان جا بودم خواستم برگردم که دیدم حضرت آمدند در حالی که نیازمندان بر سر راه امام (ع) نشسته بودند و حضرت به آنان صدقه می دادند. حضرت داخل منزل شدند و مرا فراخواندند و با هم به داخل خانه رفتیم و شروع به صحبت کردیم، سخن که به پایان رسید امام فرمودند: «گمان نمی کنم افطار کرده باشی؟» عرض کردم: نه، به دستور امام برای من غذا آوردند و به خدمتکارشان هم دستور دادند با من هم غذا شود، پس از صرف افطاری امام فرمودند: «تشک را بلند کن و هر چه زیر آن است بردار». من هم تشک را بلند کردم و اشرفی هایی را که در زیر آن بود برداشتم سپس به چند نفر از خدمتکارانشان دستور دادم مرا تا خانه ام همراهی کنند چون به خانه رسیدم دیدم بیست اشرفی بیش از مقدار بدهکاری من است.^{۵۱}

گزارش شده هر وقت سفره غذا را برای امام پهن می کردند کاسه ای نزدیک ایشان قرار می دادند، ایشان از هر نوع غذا مقداری را بر می داشتند و در آن کاسه می ریختند و دستور می دادند آن را بین فقرا تقسیم کنند. بعدا می فرمودند: «فَلَا افْتَحِمَ الْعَقَبَةَ» (البلد، ۱۱/۹۰) و می فرمودند: «خداوند می داند که همه مردم قدرت این را ندارند که بنده آزاد کنند. برای آنها راه دیگری قرار داده و آن غذا دادن به فقرا است».^{۵۲}

شیوه امام در بخشش طوری بود که حتی کسی که مورد جود ایشان قرار می گرفت، ذره ای احساس شرمندگی نکند. نقل شده که ایشان در مجلسی با یاران خود مشغول صحبت کردن بودند، جمعیت زیادی در آن مجلس حضور داشتند که ناگهان مردی بلند قامت و گند مگون وارد مجلس شد و به حضرت سلام کرد و گفت: من از دوستان پدران و نیاکان شما هستم. از حج برمی گشتم که خرجی خود را گم کردم اگر شما به من کمک نمائید تا به وطنم برسم پولی که شما به من می دهی از طرفتان صدقه خواهم داد. حضرت فرمودند: «بنشین» بعد از مدتی که جمعیت پراکنده شدند و جز عده کمی باقی نماندند امام به اتاقشان می روند و بعد از مدت کمی بازگشتند و دستشان را از بالای در بیرون آوردند و پرسیدند آن مرد کجاست؟ مرد جواب داد من در حضور شما هستم. ایشان فرمودند: «این دویست اشرفی را بگیر و خرج کن، لزومی ندارد که از طرف من صدقه بدهی از نزد من خارج شو تا ترا ببینم و تو نیز مرا ببینی». بعد از رفتن آن مرد، فردی که در آنجا

حضور داشت به امام رضا (ع) عرض کرد: شما نسبت به این شخص احسان و بخشش نمودید. علت این که فرمودید تا شما او را نبینید و او شما را نبیند چیست؟ ایشان فرمودند: «از ترس این که مبادا شرمندگی در صورت او ببینم آیا از رسول خدا (ص) سلم شنیده ای که فرمودند: «حسنه مخفیانه با هزار حج برابر است»^{۵۳}. همچنین نقل شده است شخصی به حضرت علی بن موسی الرضا (ع) گفت: به قدر جوانمردی خودتان به من عطا و بخشش کنید. ایشان فرمودند: «این اندازه برای من مقدور نخواهد شد». او گفت: پس به اندازه مروت من عطا کن. حضرت فرمودند: «این مقدار ممکن می شود»؛ پس از این جریان به غلام خودشان دستور دادند تا مبلغ دویست اشرفی به او بدهند.^{۵۴}

نتیجه

امام رضا (ع) پیشوا و تربیت یافته مکتب وحی به عنوان الگویی جامع از فضایل و کمالات انسانی در جامعه شیعی مطرح است، به دلیل نمایان ساختن رفتارهای متعالی در نهاد خانواده به عنوان گرامی ترین نهادها و احترام به اعضا؛ اجتناب از صفات ناپسندی همانند خشم و غضب، بدگمانی و تجسس، پرهیز از حسد که منشا فرجام سوء و عواقب تکان دهنده در حیات افراد می گردد. در سیره علمی و عملی امام رضا (ع) علاوه بر دوری از رذایل، اهتمام شدید بر ایجاد فضایل اخلاقی به منظور رسیدن به فضایی آکنده از عطوفت و مهربانی با خوش خلقی و صداقت به عنوان ابزاری برای استحکام بخشیدن به همه بنیان ها و روابط داشتند. برقراری وحدت و همدلی در جهت رسیدن به آرامش و امنیت در زندگی فردی و اجتماعی از جمله اهداف مطلوب امام رضا (ع) بود. از دیگر سجایای اخلاقی عالم آل محمد (ع) زندگی ساده و به دور از تجملات بود که توأم با توجه رأفت آمیز امام با اقشار محروم جامعه با ارائه راهکارهای دینی پرداخت صدقه، خمس و زکات صورت می گرفت. امام رضا (ع) با خلقی نیکو و پرمحبت نسبت به نزدیکان و همه افراد پیرامونشان با هر رنگ و نژادی ندای ارزشمندی و والا مقامی انسانیت را سردادند و عمل شایسته را ملاک گرامی داشتن معرفی نمودند.

۱. تفسیر قمی، ۱/۴۱۰ .
۲. بحار الأنوار، ۴۹/۲۷۸ .
۳. همان، ۲۷۳ .
۴. أعيان الشيعة، ۷/۶۲ .
۵. بحار الأنوار، ۴۸/۲۵۲ .
۶. امام رضا (ع) و رسالت تبیین قرآن، ۱۴/۱۷۱ .
۷. زندگانی چهارده معصوم / ۱۰۶۴ .
۸. عیون أخبار الرضا (ع)، ۲/۴۲۰ .
۹. همان، ۱/۴۵۸ .
۱۰. همان، ۱/۴۹۲ .
۱۱. بحار الأنوار، ۷۴/۷۷ .
۱۲. همان، ۷۲/۷۴ .
۱۳. همان، ۸۲/۲۲۶ .
۱۴. همان، ۷۴/۱۰۴ .
۱۵. مشکاة الأنوار / ۲۱۹ .
۱۶. العدد القویة / ۲۹۹ .
۱۷. تحف العقول / ۴۶۹ .
۱۸. المیزان، ۱۸/۴۸۵ - ۴۸۴ .
۱۹. وسائل الشيعة، ۸/۵۶۳ .
۲۰. تحف العقول / ۴۵۰ .
۲۱. بحار الأنوار، ۷۳/۲۵۶ .
۲۲. تحلیلی از زندگانی امام علی بن موسی الرضا (ع) / ۶۷ .
۲۳. عیون أخبار الرضا (ع)، ۲/۲۴ .
۲۴. الأمالی «صدوق» / ۴۴۳ .
۲۵. بحار الأنوار، ۴۹/۱۰۲ .
۲۶. همان، ۹۱ - ۹۰ / ۴۹ .
۲۷. وسائل الشيعة، ۸/۴۸۳ .
۲۸. انسان سازی در قرآن «مصباح یزدی» / ۴۱۶ .
۲۹. عیون أخبار الرضا (ع)، ۲/۵۴ .
۳۰. همان / ۴۱۶ .
۳۱. كشف الغمة، ۳/۱۲۳ .
۳۲. إرشاد المفید، ۲/۲۵۷ .
۳۳. پژوهشی دقیق؛ در زندگانی علی بن موسی الرضا (ع)، ۵۷/۱ .
۳۴. عیون أخبار الرضا (ع)، ۲/۵۷۳ .
۳۵. همان / ۴۲۱ .
۳۶. نهج البلاغة / وصیت ۴۷ .
۳۷. الكافي، ۲/۲۰۹ .
۳۸. بحار الأنوار، ۸۱/۱۹۵ .
۳۹. امامان شیعه و وحدت اسلامی / ۲۵۰ .
۴۰. عیون أخبار الرضا (ع)، ۱/۲۲۸ .
۴۱. تفسیر المیزان، ۱/۲۱۹ .
۴۲. الكافي، ۲/۶۴۳ .
۴۳. مجمع البیان، ۲/۸۰۵ .
۴۴. تفسیر موضوعی، ۱۷/۲۱۹ .
۴۵. بحار الأنوار، ۴۹/۹۷ .
۴۶. همان / ۹۷ .
۴۷. مکاتیب الأئمه، ۵/۲۶۰ .
۴۸. الكافي، ۴/۵۲ .
۴۹. همان / ۲۳ - ۲۴ .
۵۰. من لایحضره الفقیه، ۱/۴۱۱ .
۵۱. الإرشاد للمفید، ۲/۲۴۶ .
۵۲. بحار الأنوار، ۴۹/۹۷ .
۵۳. همان / ۱۰۰ .
۵۴. همان .